

فیلم سیاه و سفید و بی‌کیفیت تقاطع یک خیابان خلوت و تاریک بسا بزرگراه را نشان می‌دهد؛ یک موتورسیکلت با دو سرنشین از خیابان به بزرگراه رفته و از کادر خارج می‌شود؛ پشت سر آن جوانکی می‌دود و در کنار بزرگراه به زمین می‌افتد و خودروها پس از یک مکث کوتاه از کنار او بی‌تفاوت عبور می‌کنند. این‌ها تصاویری از یک فیلم سینمایی ترازیک نیستند؛ تصاویری واقعی از ساعات پایانی زندگی «امیرمحمد خالقی درمیان»، دانشجوی ۱۹ ساله دانشگاه تهران است که چهارشنبه شب ۲۴ بهمن‌ماه در جدال با سارقان، خوش به زمین ریخت.

امیرمحمد دانشجوی ورودی ۱۴۰۲ رشته مدیریت کسب و کار بود که از خراسان جنوبی برای تحصیل به پایتخت آمده و در کوی دانشگاه ساکن شده بود. به گفته هم‌کلاسی‌اش؛ او پس از پایان اولین روز کاری خود، در حال بازگشت به خویلگاه بود که در خیابان مجاور درب پشمی‌کوی، در درگیری با سارقان با ضربات چاقو زخمی شد. این دانشجوی پس از انتقال به بیمارستان با وجود انجام اعمال جراحی و رسیدگی‌های پزشکی، صبح روز پنج‌شنبه از دنیا رفت. محلی که سارقان خون‌امیرمحمد را به زمین ریختند، مثلثی است که در شرق آن کوی دانشگاه، غرب آن بزرگراه شهید چمران و جنوب آن بزرگراه جلال آل احمد و زیرگذر گیشا قرار دارد. ایستگاه مترو دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران و دانشگاه تربیت مدرس هم در بخش جنوبی بزرگراه جلال قرار گرفته‌اند. این مثلث مدت‌هاست که از نظر نامی معروف است؛ کوچه «جنه» که امیرمحمد در آن به مار سارقان افتاد، از نامی زاینده ساکنان این محدوده است. تعدد سرق‌ت به شیوه‌های مختلف در این محدوده، به جایی رسیده که اهالی این منطقه کافذهایی به دیوار چسباندند تا عابران مراقب موبایل و وسایل خود باشند. اولین اطلاعیه‌های رسمی پیرامون قتل امیرمحمد حوالی ساعت ۲۰:۲۵ پنج‌شنبه ۲۵ بهمن‌ماه در کانال وزارت علوم و دقایقی بعد توسط روابط عمومی دانشگاه تهران منتشر شد.

موضوعی که در اولین اطلاعیه‌ها توجه را جلب می‌کرد تأکید دانشگاه و وزارت علوم بر فوت دانشجو «خارج از دانشگاه و به محدوده پل گیشا» یا «در محله‌ای نزدیک کوی دانشگاه» و هیچ‌گاه هیچ مسئول رده بالایی به این موضوع ورود نکرد تا این‌که به نتیجه نرسیدن این پیگیری‌ها در نهایت به قتل یک دانشجوی جوان منجر شد. بعد از این بود که پای وزیر علوم به موضوع نامی وزیر علوم که پیش از این در سفر عربستان بود، بامداد روز شنبه به این ماجرا وارد شد. او گفت که از

«دیدانه فراوان شد، تا چندین بالا» این نخستین جملات حسن روحانی در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ و پس از اعلام توافق برجام بود. حسن روحانی به مردم وعده داد که «حقوق این توافق در روز اجرائی توافق (دی ۹۴) تمامی تحریم‌ها، حتی تحریم‌های مسافری، موشکی و اشاعه‌ای هم به صورتی که در قطعنامه نودو لغو خواهد شد. تمام تحریم‌های مالی، بانکی، مربوط به بیمه، حمل‌ونقل، پتروشیمی، فلزات گران‌بها، تحریم‌های اقتصادی به طور کامل لغو خواهد شد و نه تعلیق» بعد از این بود که برجام با عنوانی نظیر «قطع التوج» و «فقات تابان» خطاب شد و آن را با «فتح خرمشهر» مقایسه کردند!

آفتابی که طلوع کرده، به غروب نشست؛ چرا که علی‌رغم انجام تمامی تعهدات توسط ایران، طرف‌های غربی بالاخص آمریکا نه تنها اقدامی برای عمل به تعهدات خود و رفع تحریم‌های صادراتی انجام ندادند، بلکه حتی تحریم‌های جدیدی را وضع کردند. لذا طولی نکشید که رویاهای برجامی به سرعت جای خود را به خسارات برجامی دادند و درنهایت با خروج یک‌طرفه آمریکا از برجام، اشتباه بودن اعتماد به آمریکا مثل روز و یا بهتر بگوییم مثل همان «فقات تابان» به همه آشکار شد.

هر چند که برخی باز خود را به خواب زدند و هنوز هم بیدار نشدند؛ خوابی که سطح هوشیاری‌شان را به پایین‌ترین سطح رسانده و ریسک اقدام غیرعقلانه‌ی عاقدانه را افزایش داده است!

اکنون که موضوع مذاکره با آمریکا پس از ششروز

دوره ریاست جمهوری دکتر پزشکیان، مجدداً به دغدغه

اول پاستورنشینیان تبدیل شده است، مقام معظم

رهبری (مدظله‌العالی) که بارها دربراره بی‌اعتمادی

به آمریکا هشدار داده بودند، بار دیگر اخطار صریح

خود را درخصوص این خسارت محض اعلام نموده و

فرمودند: «مذاکره با آمریکا «عاقلانه»، «هوشمندانه»

و «شرافتمندانه» نیست.»

با توجه به اینکه جریان اصلاحات بعضا تلاش دارد،

خوانش‌های دوم و سوم و چهارمی را از بیانات صریح

رهبری ارائه دهد و تفسیری متفاوت از مطرح نماید،

لذا ضروریست که با بررسی عبرت‌های تاریخی مذاکره

با آمریکا به تبیین جزایی غیرعقلانه، غیرهوشمندانه و

غیر شرافتمندانه بودن مذاکره بپردازیم.

عقلانیت به خرج دهید!

«طرف‌های مقابل به‌ویژه ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی، به هیچ وجه به تعهدات خود عمل نکرده‌اند. مردم ایران هیچ‌نوعی به‌ویژه از برجام نبردند» این امر به‌ویژه از بُعد اقتصادی و تجاری مشهود است. ایران نه‌تنها به تعهدات خود وفادار بوده، بلکه در برخی زمینه‌ها حتی بیش از آنچه که از ایران خواسته شده عمل کرده است.» این صحبت‌ها، نه از کلام یکی از مخالفین برجام بلکه دقیقاً از سوی مسبین برجام، در این‌جا نقل قول شده است!

۱۲ شهریور ۱۳۹۵، یعنی حدود ۸ ماه پس از آغاز برجام و همچنین اولویت اولیها، آقای ظریف در جایگاه وزیر خارجه دولت یازدهم، نامه‌ای را خطاب به فدریکا موگرتی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه

که با مداخله و قول مسئولین برای رسیدگی به موضوع و قول برگزاری جلسه با نمایندگان شورای صنفی و … تجمع دانشجویان در حوالی ساعت ۲۲ به پایان رسید. موضوع «امنیت دانشجویان» در خیابان‌های اطراف دانشگاه در پایتخت موضوع جدیدی نیست. سال‌ها است که دانشجویان با سرقت و زورگیری مواجه هستند به طوری که دانشجویان دانشگاه‌های شریف، تربیت مدرس، امیرکبیر و تهران بارها نسبت به این موضوع معترض بودند. دانشگاه تربیت مدرس نیز که در همسایگی کوی دانشگاه و دانشگاه تهران قرار دارد از گزند سارقان در امان نبوده است. به همین خاطر این دانشگاه نیز در اطلاعیه‌ای ضمن ابراز تأسف و همدردی عمیق نسبت به حادثه تلخ قتل دانشجوی دانشگاه تهران، خواستار پیگیری فوری این پرونده از سوی مسئولان انتظامی و قضائی شد. در این اطلاعیه آمده بود «متأسفانه محلی که این حادثه دردناک در آن رخ داده، ناحیه‌ای دانشگاهی با جمعیت قابل توجه از دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاهی است که این موضوع، تأمین امنیت نواحی دانشگاهی و عمومی در این منطقه را برای حفظ سرمایه‌های دانشگاه‌های تراز اول کشور دو چندان حائز اهمیت می‌کند. از مسئولان انتظامی خواستاریم تا با بررسی دقیق این حادثه، از تکرار چنین وقایع ناگواری جلوگیری شود.»

سوی رئیس‌جمهور ماموریت ویژه‌ای به او ابلاغ شده و قول برگزاری جلسه با نمایندگان شورای صنفی و … ابعاد مختلف این موضوع مورد پیگیری قرار گیرد. او صبح شنبه در دانشگاه تهران حضور پیدا کرد و در جلسه با مسئولین دانشگاه تهران که با حضور برخی رسانه‌ها برگزار شد، از سوی همه نهادهای مسئول از مردم و جامعه دانشگاهی عذرخواهی کرد. او در این جلسه تأکید کرد: «ما اجازه نمی‌دهیم مسئله دانشگاه به بیرون از دانشگاه کشیده شود و غیر دانشگاهی بخواد این موضوع را حل و فصل کند و از اینکه افرادی خودسرانه ورود کنند و به بهانه احساس مسئولیت نقشی ایفا کنند، جدا برخورد می‌کنیم و در مورد آن‌ها تعقیب قضائی را شروع کردیم و ممانعتی در مورد این موضوع نخواهیم داشت.»

سیمایی صرف با بیان این‌که «من نگاهه همه دانشجویان هستم»، در مورد اقدامات انجام‌شده برای پیگیری موضوع قتل دانشجوی دانشگاه تهران، از تشکیل تیم ویژه توسط اداره آگاهی برای سنجگری قاتلان و سارقان خیر و پیگیری دستگاه فضا از طریق بازپرس ویژه خسر داد. وی همچنین گفت: مدیریت خویلگاه‌های دانشگاه تهران استعفا داده است. وزیر علوم با تأکید بر این‌که نمی‌خواهیم سلب مسئولیت کنیم گفت: دانشگاه تهران چند سال است که با کلاتری مربوطه مکاتبه می‌کند و آخرین مکاتبه

دانشگاه

Daneshgah@Kayhan.ir



خالی کند: «این اتفاق در زمان مسئولیت من نبوده»، «خارج از محدوده من اتفاق افتاده»، «پیش از مسئولیت سازمان من، دیگران باید پیگیری می‌کردند»، «یول نداریم»، «تجهیزاتمان کافی نیست». پس از آن به صورت ضرب‌الاجل همه نهادهای دستگاه‌ها به میدان می‌آیند؛ از اقداماتی که انجام داده‌اند، می‌گویند و وعده‌هایی برای پیگیری هر چه سریع‌تر موضوع مطرح می‌کنند. تا مدتی «وعده‌ها» کلیدواژه هر نشست و جلسه‌ای می‌شوند و به تدریج، پس از فروکش کردن اعتراضات و احساسات، موضوع فراموشی می‌شود تا فاجعه بعدی از راه برسد…

اهمال‌کاری‌ها و بی‌توجهی‌هایی که به کشته شدن این دانشجوی ۱۹ ساله منجر شده است، موضوع ساده‌ای نیست و به طور قطع پیچیدگی‌هایی دارد ولی شاید با چند اقدام ساده می‌شد که از این فاجعه جلوگیری کرد. پیش از خبرگزاری مهر؛ البته ناگفته نماند که در کارشامان مختلف و گاهی حتی مسئولین رده پایین هشدار داده می‌شود. اقشار مختلف موضوع را از راه‌های مختلف پیگیری می‌کنند ولی صای آن‌ها به بخش‌های پلیس آگاهی تهران بزرگ طی ۲۲ ساعت گذشته از وقوع حادثه قتل در بزرگراه جلال آل احمد تعدادی از حساس‌های با مسئولیت‌های و بازداشت شده‌اند. اما اخبار و شایعات درخصوص دستگیری قطعی قاتلان تا این

دلیل؟ تجربه!

راه حل مشکلات داخلی است و به دولت بسپارم امیدوارم بتواند مشکلات معیشتی مردم را کم کند

کشور نداشت. به هر حال قراردادی که به گفته حسن روحانی قرار بود «خشت‌های دیوار بی‌اعتمادی را بردارد»، خود به خشتی دیگر بر روی این دیوار پدل شد و بار دیگر نشان داد که اعتماد به آمریکا به دور از عقلانیت، پایبند نیستید. (روحانی، آبان ۹۶)
ما بهترین وجه سبای آمریکا محقق می‌کرد، چرا ترامپ آن را «بدترین توافق تاریخ آمریکا» می‌نامد و در دور پیشین ریاست‌جمهوری خود از آن خارج شد؟! سطحی‌ترین پاسخ به این پرسش، طرح فرضیه «پشمیانی ترامپ» است! گویا ترامپ از کرده خود بیشمان است و با سیاست فشار حداکثری را به خود بی‌نتیجه ماندن آن کنار گذاشته است؛ فرضیه‌ای که به طور کامل مردود است. زیرا ترامپ، دقیقاً ساعاتی پیش از این اظهارات، با امضای «یادداشت امنیت ملی ریاست جمهوری»، نشان داد که همچنان همان سیاست فشار حداکثری را مدنظر دارد!

طبق این یادداشت، خواسته آمریکا از ایران نه‌تنها به موضوع هسته‌ای محدود نمی‌شود، بلکه گستاخانه مواردی همچون خلع سلاح ایران در حوزه موشکی را نیز در برمی‌گیرد.
بهاره نورمحمدی
معاون سیاسی سابق خواهران بسیج دانشجویی دانشگاه تهران
– راجع به برجام، ساعت‌ها مذاکره شده، سپس آقای ترامپ با یک امضای سریع آن را باطل اعلام می‌کند. آیا می‌توان با چنین فردی وارد مذاکره شد؟ آیا این اقدام چیزی جز یک نمایش تبلیغاتی است؟! (ظریف، مرداد ۹۷)
توافق با آمریکا به هر حال جوهر روی کاغذ هم ارزش ندارد. (ظریف، بهمن ۹۷)
– صریح می‌گویم، مذاکره با آمریکا فایده‌ای ندارد. (تخت‌روانی، عضو وقت تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای، مرداد ۹۷)
اگر چه گویا این اعترافات، از خاطر برخی از آقایان پاک شده است، اما این بی‌حفاظگی عاقدانه چیزی از خسارت‌بار بودن برجام و غیرقابل اعتماد بودن آمریکا، کم نخواهد کرد. اکنون شاید تنها نمره برجام ناقص‌ام، همین عبرت تاریخی باشد، بلکه با کمی عقلانیت، از تکرار «خسارت محض» جلوگیری شود.
هوشمندانه رفتار کنید!
«من هیچ محدودیتی تعیین نمی‌کنم، اما یک چیز غیرقابل انکار است: آن‌ها نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند.» این جملات بخشی از اظهارات دونالد ترامپ،

صفحه ۷

پنجشنبه ۲ اسفند ۱۴۰۳

۲۱ شعبان ۱۴۴۶ – شماره ۰۱۳۸۰۱

پایتخت را با جدیت بیشتری پیگیری کرده و در بازه‌های زمانی مشخص با شاخص‌های ملموس به شهروندان گزارش دهد که این اقدامات چقدر توانسته نامی‌ها را کاهش دهد.

در نهایت با پیگیری نیروهای فراجا دو عامل اصلی قتل این جوان دانشجو در بامداد سه‌شنبه دستگیر شدند و در بازجویی‌های اولیه به جنایت خود با انگیزه سرقت اعتراف کردند.

سوءاستفاده هنرندان!

از سوی دیگر، خیلی باید هنرمند بود که از یک اتفاق اجتماعی و صد البته دلخراش، یک بحران امنیتی برای کشور ساخت و برای ایجاد آشوب در کشور زمینه‌سازی کرد!قتل دانشجویی جوان به نام امیرمحمد خالقی در محوطه بیرونی کوی دانشگاه تهران توسط چند سارق، اگرچه بسیار غناونگیز و متاثرکننده است اما سببایی کردن این واقعه و ماهی گیری جناحی از آن، گویای این واقعیت است که نباید ساده انگارانه از کنار واکنش‌های رخ داده پس از بروز این جنایت عبور کرد. اما سوال اینجاست که چرا این روزها دانشگاه تهران در کانون توجه حاشیه‌سازان قرار گرفته است؟! از فراخوان تجمع در مقابل سردر اصلی دانشگاه تهران برای آزادی و رفع حصر سران قتنه ۱۳۸۸ گرفته تا راهبیمایی اعتراضی جمعی از دانشجویان ساکن کوی دانشگاه تهران در اعتراض به قتل اخیر، حکایت از آن دارد که نمی‌توان با نگرشی طبیعی به این‌گونه رویدادها نگریمست.جالب اینجاست، سید حسین حسینی سرپرست دانشگاه تهران در جمع دانشجویان حاضر می‌شود و در سخنانی شاذ و حساسیت برانگیز اظهار می‌دارد: «دانشگاه تهران همیشه از این اتفاقات ضربه خورده است؛ از جمله اتفاق مهر ۱۸ تیر که غم آن هنوز در دل ما باقی مانده است و داغ بزرگی را بر دل دانشگاه تهران گذاشته است که به این زودی‌ها پاک نخواهد شد. عامل اصلی کوی اتفاقات کوی دانشگاه در ۱۸ تیر و اتفاقات امروز، نیروهای لباس شخصی هستند.» مشابهت سبازای بی‌ربط قتل یک دانشجوی توسط سارقان با حوادث ۱۸ تیر ۱۳۷۸ آن هم از سوی یک مدیر دانشگاهی منصوب از سوی دولت وفاق، این شک را به یقین تبدیل می‌کند که پس از نپی صریح رهبر فرانزه انقلاب اسلامی درخصوص هر گونه مذاکره با آمریکا، «دانشگاه تهران همیشه از این اتفاقات ضربه خورده است؛ از جمله اتفاق مهر ۱۸ تیر که غم آن هنوز در دل ما باقی مانده است و داغ بزرگی را بر دل دانشگاه تهران گذاشته است که به این زودی‌ها پاک نخواهد شد. عامل اصلی کوی اتفاقات کوی دانشگاه در ۱۸ تیر و اتفاقات امروز، نیروهای لباس شخصی هستند.» مشابهت سبازای بی‌ربط قتل یک دانشجوی توسط سارقان با حوادث ۱۸ تیر ۱۳۷۸ آن هم از سوی یک مدیر دانشگاهی منصوب از سوی دولت وفاق، این شک را به یقین تبدیل می‌کند که پس از نپی صریح رهبر فرانزه انقلاب اسلامی درخصوص هر گونه مذاکره با آمریکا، «دانشگاه تهران همیشه از این اتفاقات ضربه خورده است؛ از جمله اتفاق مهر ۱۸ تیر که غم آن هنوز در دل ما باقی مانده است و داغ بزرگی را بر دل دانشگاه تهران گذاشته است که به این زودی‌ها پاک نخواهد شد. عامل اصلی کوی اتفاقات کوی دانشگاه در ۱۸ تیر و اتفاقات امروز، نیروهای لباس شخصی هستند.»

اگر طرح «معامله قرن» ترامپ را فراموش کرده‌اید، می‌توانید به طرح استکباری و البته خیالی او درخصوص کوچ اجباری فلسطینیان و تملک غزه نگاه کنید!

و در آخر برای اثبات غیرشرافتمندانه بودن مذاکره با آمریکا و بر سر یک میز نشستن با ترامپ قمارباز، به یادآورید که «آن جنتملمن‌های پشت میز مذاکره، همان تورویست‌های فرودگاه بغداد هستند.»

از لزوم حفظ عزت و شرافت در برابر دشمن که بگذریم، به چیزی ختم دست شرافتمندانه به مردم می‌رسیم. پیوسته که گویا به کل از خاطر مسئولین دولت پاک شده است!

مردم عزیزا یا راضی به مذاکره ششود یا قیمت دلار را تا سنجایی که می‌توانیم بالا می‌بریم. این جمله می‌تواند توصیف صریحی از سیاست فعلی دولت باشد. سیاستی که به شکلی پرقدرت توسط عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد دولت آقای پزشکیان در حال اجراست. جالب‌تر اینکه بعد از بیانات حکیمانه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درخصوص غیرعقلانی بودن مذاکره و لزوم تلاش در داخل، این سیاست نه‌تنها اصلاح نشده بلکه به شکل لیزبازانه‌ای شدت یافته است. دولت چهارمده که بسا دلاز ۵۹ هزار تومان وارد پاسطور شد، تنها پس از حدود ۶ ماه، قیمت دلار را به مرز ۹۰ هزار تومان رساند؛ آن‌هم دقیقاً یک شب پیش از ۲۲ بهمن!

گویا وزارت اقتصاد دولت آقای پزشکیان، با وزارت خزانه‌داری آمریکا وارد رقابت شده است و می‌خواهد رکوردهای جدیدی را در موضوع فشار به ملت ایران ثبت کند!

شرافت داشته باشید!

«دو راه برای متوقف کردن آن‌ها وجود دارد. با

بمباران یا با یک تکه کاغذ مکتوب!»

این جملات گوشه‌ای دیگر از گرافه‌گویی‌های

رئیس‌جمهور آمریکاست که ۲۳ بهمن‌ماه در مصاحبه

با فاکسن نیز مطرح شد.

باتوجه به این اظهارات، صراحتاً می‌توان گفت آن

چیزی که ترامپ، گستاخانه ایران را به آن دعوت کرده

است، نه یک مذاکره بلکه واضحاً نوعی تسلیم است!

درواقع آمریکا تلاش دارد از ابزار تحریم و تهدید،

به‌عنوان اهرم مذاکره استفاده کند. خواسته‌های

آمریکا از ایران نه در چارچوب یک توافق علدی، بلکه

در راستای تغییر بنیادین در سیاست‌های استراتژیک

منطقه‌ای و نظامی طراحی شده است. در چنین

شرایطی، پذیرش مذاکره، نه یک رفتار شرافتمندانه،

بلکسه به معنای پذیرش منقظ زورگویی و ابراز ضعف

در برابر دشمنی گستاخ خواهد بود.

باید از طرفداران مذاکره پرسید که آیا متوجه

تهدیدهای گستاخانه‌ترامپ هستند؟ یا از این تهدیدات

نیز سیگنال مثبت دریافت می‌کنند؟!

قصد مذاکره با چه کشوری را دارید؟ کشوری که

خسوی زیاده‌خواهانه او حتی دامن متحدانش را هم

گرفته است؟! کافی است صرفاً نگاهی به ادعاهای

اخیر ترامپ جهت الحاق کانادا، کاتال پاناما و گرینلند

به این کشور بیندازید!

درخصوص دخالت آمریکا در مسائل منطقه‌نیز



تصاویری از برگزاری آزمون دکترای تخصصی و کارشناسی ارشد حکمرانی در دانشگاه عالی دفاع ملی